

## پنجاه و ششمین کنفرانس پاگواش درباره علم و امور جهانی

منطقه ای در گذار: صلح و اصلاحات

در خاورمیانه

۱۱ تا ۱۵ نوامبر ۲۰۰۶

(۲۰ تا ۲۴ آبان ۱۳۸۵)

قاهره - مصر

گزارش کار گروه شماره ۲:

تسلیمات کشتار جمعی در خاورمیانه و ساختن یک منطقه ی عاری از تسلیحات کشتار جمعی

برگزارکنندگان مشترک: وائل الاسد (Wa'el Al-Assad از اردن) و لین ادن (Lynn Eden از ایالات متحده آمریکا).

گزارشگر: آرتور پیترسن (Arthur Petersen از هلند).

تصمیم به بنای منطقه ای عاری از تسلیحات کشتار جمعی در خاورمیانه، بطور مکرر در بالاترین سطح سیاسی، از سوی همه کشورهای درگیر و نیز جامعه ی بین المللی پشتیبانی شده، و این خواسته در بیشتر سندهای مهم نیز درج گردیده است. در این گروه کار، شرکت کنندگانی از چین، جمهوری چک، مصر، فنلاند، آلمان، یونان، ایران، عراق، اسرائیل، ژاپن، اردن، لبنان، هلند، نروژ، آفریقای جنوبی، سوئد، ترکیه، پادشاهی متحده و ایالات متحده آمریکا، همگی به نام شخص خودشان، و نه به نام نمایندگان کشور هایشان حاضر بودند. در این گروه، نخست، وضعیت تسلیحات کشتار جمعی در این منطقه بررسی شد، و تاریخ تلاش برای دستیابی به منطقه ای خالی از تسلیحات کشتار جمعی ارزیابی، و پس از آن، رابطه ی بین مناطق خالی از تسلیحات کشتار جمعی، و ساختارهای عمومی امنیتی مطالعه گردید. سرانجام، پاره ای پیشنهاد های اجر اشذنی، برای گام های بعدی، در میان گذاشته شد.

وضع کنونی تسلیحات کشتار جمعی در خاورمیانه و خطر های گسترش آن:

نظام جلوگیری از افزایش تسلیحات کشتار جمعی، بویژه در خاورمیانه، با خطر بزرگ از هم پاشیدن روبروست. از آن جا، که چنین چیزی می تواند نگرانی بسیار زیادی را بیار آورد، این گروه کار، می پذیرد که پرس و جوی پیرامون این تسلیحات در خاورمیانه را، نمی توان بدون نگرش به جو سیاسی منطقه و الزامات امنیتی آن، و نیز شناسایی تهدید های موجود، به گفتگو گذاشت. با در نظر گرفتن مواضع سخت طرف های گوناگون این منطقه، هدف نهایی، که از بین بردن تسلیحات کشتار جمعی از خاورمیانه است، باید به گونه ای گام به گام دنبال شود. چندین کشور در خاورمیانه (که در این جا منظور از این چند کشور، کشورهای عرب به همراه اسرائیل و ایران است) به تولید و یا گسترش تسلیحات اتمی، شیمیایی و یا بیولوژیکی مظنون و یا متهم هستند. امضاء یا تصویب نکردن، موافقتنامه های ویژه خلع سلاح، می تواند نخستین نشانه ی دال بر وجود برنامه های مربوط به تسلیحات کشتار جمعی بشمار آید. در گروه کار، نتیجه ی برآوردها نشان می داد که مرحله های گوناگونی از برنامه های مربوط به تسلیحات کشتار جمعی وجود دارد. این داده ها، همچنین، برنامه های راجع به تسلیحاتی نظیر موشک ها را نیز در بر می گرفت. پیش از آن که گروه، به این بحث وارد شود که گام های عملی اجر اشذنی را بررسی کند، به پرونده های اتمی اسرائیل و ایران نیز توجه ویژه ای بعمل آورد.

اسرائیل، عضو معاهده منع گسترش (NPT) و کنوانسیون های تسلیحات بیولوژیکی و سمی (BTWC) نیست؛ و گرچه کنوانسیون منع تسلیحات شیمیایی را امضاء کرده اما هنوز آن را به تصویب نرسانیده است. بررسی های مرکز مطالعات منع گسترش نشان می دهد که این کشور دارای صد تا دویست جنگ افزار اتمی (NW) است. گسترش این جنگ افزارها، پاسخی است به تهدیدهای موجود. اگرچه در حال حاضر، این تهدیدها، واقعی بنظر نمی رسند، اما رهبری اسرائیل تمایل به نگاهداری این تسلیحات دارد. اسرائیل تسلیحات اتمی خود را برای اعمال فشار در روابط بین المللی اش بکار نبرده، اما اگر ایران یا دیگر کشورها به تولید جنگ افزارهای اتمی بپردازند، ممکن است این وضع دگرگون شود.

ایران، کشوری است که در هر سه معاهده تسلیحات کشتار جمعی عضویت دارد. جنگ افزار اتمی هم ندارد. با این همه، برنامه ی اتمی ایران، نگرانی جامعه بین المللی را موجب شده است. سازمان بین المللی انرژی اتمی هنوز نتوانسته است کاملاً به پیشینه ی اتمی ایران دست یابد. از آن زمان که بحث پیرامون برنامه ی اتمی ایران، در کارگاه آموزشی پاکواش برای خلع سلاح و منع گسترش اتمی از ۷ تا ۸ ژوئن ۲۰۰۶ (۱۷ تا ۱۸ خرداد ۱۳۸۵) در آمستردام، انجام شد، تاکنون تحولات بسیاری رخ داده است. اعضای شورای امنیت، در حال گفتگو برای یک قطعنامه ی تحریم هستند، زیرا ایران هنوز به غنی کردن اورانیوم خود ادامه می دهد. در این جا، شایسته است گفته شود که اخیراً سازمان بین المللی انرژی اتمی، برنامه اتمی ایران را برنامه ای در مراحل ابتدایی خوانده است، و اگر شمار دستگاههای آشکار کوچک (یا زنجیری) به صورت چشمگیری زیاد نشود، چندین سال بردار می کشد تا ایران توانایی آن را پیدا کند که مواد قابل تبدیل به تولید سلاح را به اندازه زیادی تولید نماید. از این گذشته، باید بیاد داشته باشیم که ماده ی چهارم معاهده منع گسترش (NPT) و نیز سوابق گفتگوهای مربوط به انعقاد این معاهده، به روشنی نشان می دهد که غنی کردن اورانیوم تا جایی که برای مقاصد صرفاً صلح آمیز و در چارچوب معاهده منع گسترش باشد، برای هیچیک از برنامه های هسته ای قدغن نشده است. ایران، متوقف ساختن غنی سازی اورانیوم، به عنوان پیش شرط ورود به گفتگو با جامعه ی بین المللی را نپذیرفته است. برخی از طرف های این قضیه، بهرحال چنین استدلال می کنند که ایران می باید به جلب اعتماد جامعه بین المللی بپردازد و یکی از راههای این جلب اعتماد، پذیرش توقف موقت غنی سازی اورانیوم است. نظر کلی گروه کار بر این بود که ایالات متحده (آمریکا) و دیگر کشورها باید ایران را درگیر تماس های سیاسی و دیپلوماسی کنند و نگرانی های جامعه بین المللی را از این که ایران پیشینه ی (برنامه ی) اتمی خود را به وضوح برای سازمان بین المللی انرژی اتمی عرضه نکرده ابراز نمایند.

### تاریخچه ی کوشش برای ایجاد مناطق عاری از تسلیحات کشتار جمعی در خاورمیانه

در حال حاضر مواضع مربوط به منطقه ی عاری از تسلیحات کشتار جمعی/تسلیحات اتمی به بن بست کشیده شده: این مواضع بهمان اندازه ای که شناخته شده اند به همان گونه نیز محکم تر گردیده اند. این مطلب در بعضی مباحث گروه کار نیز انعکاس یافته است. پیشنهاد اولیه منطقه ی عاری از تسلیحات اتمی در خاورمیانه در سال ۱۹۷۴ بوسیله ایران و با پشتیبانی مصر ارائه شد. در سال ۱۹۹۰، مصر توصیه کرد که پیشنهاد یادشده به ایجاد منطقه ی عاری از تسلیحات کشتار جمعی ارتقاء پیدا کند. در رابطه با جنگ افزارهای اتمی، شیمیایی و بیولوژیکی ما باید به تفاوت های عمده میان این ها توجه نماییم. درمیزان انهدام دستجمعی، بین تسلیحات اتمی از یک سوی و تسلیحات بیولوژیکی و شیمیایی از سوی دیگر، تفاوت زیادی دیده می شود. از این گذشته، هریک از این دسته تسلیحات، نظام حقوقی بین المللی مربوط به خود را دارد. در این صورت، برپایی منطقه عاری از تسلیحات کشتار جمعی ممکن است بعنوان نتیجه ی پایانی امضاء، تصویب و الحاق به موافقتنامه های خلع سلاح کنونی نیز شمرده شود.

منظور از منطقه ای عاری از تسلیحات کشتار جمعی در خاورمیانه مورد تائید شورای امنیت و دولتهای پیوسته به معاهده منع گسترش (NPT) و اسرائیل واقع شده است. این موضوع عنوان

گفتگوی کنفرانس ها و سمینارهای بیشماری نیز بوده است. بهر حال، لفاظی با واقعیت فاصله ی زیادی دارد. درست است که در جای دیگری از جهان، منطقه خالی از تسلیحات اتمی، با موفقیت موردگفتگو قرار گرفته و پذیرفته شده است اما اختلاف آن جا با خاورمیانه، در این است که دولت های آن منطقه خود دارای جنگ افزارهای اتمی نیستند و به دنبال داشتن آن نیز نمی باشند و تنها مایلند تا جنگ افزارهای دیگر کشورها را از سرزمین هایشان بدور نگاهدارند. بن بست کنونی در مذاکرات برای نیل به منطقه ای عاری از تسلیحات کشتار جمعی در خاورمیانه، نتیجه مستقیم اختلاف بنیادی در مواضع نخستین طرف هاست. موضع کشورهای عربی این است که نیروی هسته ای اسرائیل، موجب عدم ثبات می شود و این از همان گام نخست، پیش شرطی برای گفتگوهای صلح و امنیت منطقه بشمار می آید. موضع اسرائیل این است که استقرار روابط صلحجویانه، رفع اختلاف، شناسایی دوجانبه، حسن همجواری و اقدامات تکمیلی پیرامون خلع سلاح معمولی و غیرمعمولی، پیش شرط بنیاد منطقه ای عاری از جنگ افزارهای هسته ای، و نیل به چشم اندازی برای منطقه ای عاری از تسلیحات کشتار جمعی خواهد بود. این مواضع، که به ظاهر در دو قطب مخالفند، همان مواضعی هستند که در جریان گفتگوهای مربوط به صلح خاورمیانه، به شکست گفتگوهای خلع سلاح و امنیت منطقه ای منجر شد.

بطور کلی بنظر می آید که طرف های درگیر مفهوم منطقه عاری از تسلیحات کشتار جمعی را عمدتاً با هدف های سیاسی و دیپلوماسی دیگری بکار برده اند. پرسشی که دربرابر ما قرار می گیرد، این است که آیا همه کشورها واقعا" مایلند با این مشکل به شیوه ای جدی برخورد کنند؟

### رابطه ی بین مناطق عاری از تسلیحات کشتار جمعی و ساختارهای فراگیر امنیتی

مسئله بین رسیدن به صلح و امنیتی فراگیرنده، از یک سوی، و خلع سلاحی که به منطقه ای عاری از جنگ افزارهای کشتار جمعی منجر شود، از سویی دیگر، رابطه وجود دارد. بدین گونه است که منظورهای دوگانه ی ساختار صلح و امنیت، و منطقه ی عاری از تسلیحات کشتار جمعی باید به طور هم زمان به بحث گذاشته شود. ما باید از مواضع نرمش ناپذیر که پیش شرط ها را بر ما تحمیل می کند بگذریم و به موضوع از دیدگاه نوینی نظر افکنیم. توافقی هرچند نه یک پارچه، بین شرکت کنندگان در گروه، وجود داشت که آنچه موردنیازست از سرگرفتن تلاش در گفتمان امنیتی منطقه می باشد. اما بر سر این که آیا چنین گفتمانی نخست باید با مسائل "امنیتی ملایم" آغاز شده، سپس به تسلیحات کشتار جمعی کشیده شود، یا این که مسائل "امنیتی دشوار" تسلیحات کشتار جمعی را می باید از همان آغاز کار به بحث گذاشت، کمتر توافق بود. البته این مطلب روشن بود که تنها برخورد گام به گام امکان پذیر است. در گروه کار پیشنهاد شد که یکی از نخستین گام هایی که باید برداشته شود پیشگیری از شعارهای لفظی رهبران سیاسی است مانند آنچه که سیاستمداران اسرائیلی پیرامون سیاست اسکان می گویند و یا سیاستمداران ایرانی درباره مشروعیت و حق حیات اسرائیل بیان می کنند. در صورتی که در این کشورها، از چنین سخنانی جانبداری همگانی می شود، رهبران مسئولیت ویژه ای را برای گفتگو با رهبران کشورهای متخاصم به عهده دارند. هرگونه پیشرفتی که برای دستیابی به منطقه عاری از تسلیحات کشتار جمعی انجام می شود، نیازمند به دگرگونی دربرداشت امنیتی طرف های مختلف در خاورمیانه است. تحولات اخیر، که در برنامه های هسته ای در خاورمیانه رخ داده به این معناست که محاسبات امنیتی کشورهای منطقه نیز واقعا" ممکن است دچار دگرگونی شود.

### گام هایی به سوی منطقه ی عاری از تسلیحات کشتار جمعی در خاورمیانه

موضوع منطقه ی عاری از تسلیحات کشتار جمعی، به جای این که بعنوان ابزاری برای لفاظی توخالی بکار رود می توان از آن بنام ایده ای بهره گرفت که زمانش فرارسیده است. می توان این استدلال پذیرفتنی را برای نخستین بار، پیش کشید که منافع مستقیم امنیت همه کشورهای منطقه، از جمله اسرائیل، اقتضا می کند که به جای کوشش در حل مساله پیچیده، ناستوار و پرخطر و

پرهزینه و چندبعدی گسترش تسلیحات در خاورمیانه، در پی دستیابی به منطقه ای خالی از تسلیحات کشتار جمعی باشیم. وقتی که این نگرش نوین بطور گسترده تری پذیرفته شود، آن گاه یکی از شرایط استراتژی کلیدی بدست آمده، که می تواند بیش از آن زمانی که ایران و مصر نخستین بار در سال 1974 پیشنهاد منطقه ای عاری از تسلیحات اتمی را در خاورمیانه مطرح کردند، برای آغاز گفتگوهای واقعی، امکان بیشتری فراهم آورد. با این همه در این راه حل، گفتگوهای بسیار سخت و به لحاظ سیاسی، بسیار دشوار و وقت گیر در پیش خواهد بود، و هیچ یک از طرف های گفتگو، نباید از بدرازا کشیده شدن گفتگوها، شگفت زده و احیاناً "پیش از این که گفتگوها به موفقیت برسد، دچار عقب گرد شود. بهرحال، پیش شرط ها باید کنار گذاشته شود. احساس همگانی گروه کار این بود که برای دستیابی به توافقی بر سر ایجاد منطقه ای عاری از تسلیحات کشتار جمعی شجاعانه به ابتکار عمل تازه ای در سطوح گوناگون دیپلوماسی نیاز است.

شق دوم ابتکار عملی که پیشنهاد شد بنام "شورای همکاری امنیتی در خاورمیانه" بود (CSCOME) که باید سیستم Sis-Com تلفظ شود). این شورا تقلیدی است از شورای همکاری امنیتی آسیای اوقیانوس آرام (CSCAP) که باید سیس کپ Sis-Cap تلفظ شود). در این ابتکار عمل، پیشنهاد می شود که جریانی غیردولتی برای گفتمان چندجانبه امنیتی در خاورمیانه در نظر گرفته شود. در این زمینه، بیشتر بحث های گروه کار، معطوف به مقبولیت پیشنهاد بینابینی بود که بوسیله ی دولت ها و مشارکت نمایندگان دولتی و متخصصان سازمانهای غیردولتی انجام شود. از این پیشنهاد ژاپن و کشورهای اسکاندیناوی و ائتلاف برنامه کار جدید یا ابتکار عمل ملل هفتگانه حمایت می کردند. گفتگوها باید - شاید در مرحله ی نخست - با مسائلی که جنجال برانگیز نباشد در سطح بین دولت ها آغاز شود (شق اول). این مطلب دارای اهمیت فراوانی است که در سطوح سازمان یافته ای که مسائل مناقشه برانگیز راجع به تسلیحات کشتار جمعی بین طرف های مختلف به بحث گذاشته می شود، جایگاهی نیز برای سمینارها و کارگاههای آموزشی دایر کنند. اکنون باید دید چه گام هایی می توان برداشت که منطقه را به استقرار منطقه ای عاری از تسلیحات کشتار جمعی نزدیکتر سازد. بالاتر از همه، بویژه باید شرایط موردنیاز برای ایجاد چنین منطقه ای را فراهم ساخت و نیز قرارهای حقوقی کنونی را تقویت کرد. این کار را می توان با سه جریان، از نسبتاً آسان تا بالنسبه دشوار، همپای یکدیگر انجام داد:

### **(1) کارهای پیرامون گسترش همکاری و بنای اعتماد و ایجاد امنیت**

گسترش همکاری بین کلیه طرف ها در منطقه را می توان در بخش بهداشت عمومی، از جمله پیشگیری بیماری های واگیر، کارهای مربوط به فنون تشخیص پزشکی، آموزش و برنامه ریزی برای آمادگی و یا در بخش هایی مانند آتش نشانی، زلزله، زمین لغزه، و آب، موردتوجه قرار داد. همچنین پیشنهاد شد که درین چارچوب، موضوع های دشوارتری را نیز می توان به بحث گذاشت. از جمله می توان به مشارکت در "گسترش همکاری و بنای اعتماد و ایجاد امنیت" افزود و همکاریهای نوینی را پیشنهاد کرد که درباره تسلیحات کشتار جمعی تصویر شفاف تری را بیافریند و گزارش مواد اولیه، موشک ها و عوامل را به بررسی بگذارد. طرف ها، همچنین، می توانند در سمینارهای مشترکی پیرامون دکترین های نظامی خود و سهمی که تسلیحات کشتار جمعی در این دکترین ها بازی می کنند، شرکت نمایند. بازرسی های دوجانبه از تمرین های نظامی و بازدیدهای متقابل از قرارگاههای نظامی را نیز می توان در برنامه گنجانید. مانند بخش های دیگر همکاری، که ممکن است موافقتنامه های جداگانه ای بطلبد. پیشنهاد شد که مصر و اسرائیل سیستم حفاظتی محیط زیست متقابلی برای نظارت بر نشت تاسیسات هسته ای بوجود آورند، و حتی - در گامی فراتر از این - مصر و اسرائیل برنامه متقابل و دوجانبه ی بازدید از جایگاه های هسته ای در هر دو کشور را آغاز کنند.

### **(2) کاربرد و کارکرد موافقت نامه های کنونی پیرامون منع گسترش تسلیحات و خلع سلاح**

تمام کشورهای را که عضو منطقه ی عاری از تسلیحات اتمی آفریقا هستند، باید تشویق کرد تا به تصویب معاهده "پالیندیبا" اقدام نمایند. پیشنهادی هم مطرح شد که اسرائیل اعلام کند که این کشور به طرز ی رفتار خواهد کرد که گویی عضو معاهده ی منع گسترش تسلیحات اتمی (NPT) است ( که روش فرانسه تا سال 1992 بود که به معاهده یادشده پیوست)؛ و اسرائیل، همچنین، باید به یادداشت کشورهای دارنده تسلیحات اتمی پیرامون تولید مواد شککنده ی قابل تبدیل به جنگ افزار، بیبوند. نظارت های صادراتی در سطح ملی و بین المللی، پیرامون تسلیحات کشتار جمعی و مواد مربوط به آن، باید بطور دقیق تری اجرا گردد. نیز، پیشنهاد شد که همه کشورهای را باید ترغیب کرد که پروتکل اضافی راجع به موافقت نامه های حفاظتی را با سازمان انرژی اتمی امضاء و تصویب کنند.

### (3) گفتگو برای موافقتنامه جدید

راجع به امکانات استوارتر ساختن نظام حفاظتی سازمان انرژی اتمی نیاز مداومی است به مطالعات علمی و فنی. در گروه کار، دو نمونه از نهادهای منطقه ای موجود، یعنی اوراتم (Euratom) و آبازی سی (ABACC) بررسی شدند و در نتیجه، ایجاد شورای خاورمیانه برای نظارت بر انرژی هسته ای (MECCA) پیشنهاد گردید. بادر نظر گرفتن احتمال گسترش نیروی هسته ای در خاورمیانه، و بیم از این که مواد مربوط به نیروی هسته ای، کاربردی نظامی پیدا کند، موافقت نامه های منطقه ای پیرامون چرخه ی سوخت هسته ای، مطلوب است. باتوجه به سیاست ها و موافقت نامه های انرژی در خاورمیانه، بصورتی کلی توصیه گردید که برای کشورهای خاورمیانه، بهره گیری از انرژی قابل تبدیل به جای نیروی هسته ای بسیار باصرفه تر و مطلوب تر است. پذیرش موافقت نامه های جدید در سطح جهان، مسئولیت تمام کشورها را برای امضاء و تصویب سی تی بی تی (CTBT) و به اجرا گذاشتن و نهایی کردن گفتگوهای مربوط به معاهده ی قطع مواد شکاف پذیر (شککنده) (FMCT) که تولید بیشتر مواد شکاف پذیر را منع می کند، ایجاب می کند؛ و باید اسرائیل و ایران (هر دو کشوری که در سال 1998 حاکمیت این معاهده را پذیرفته اند) جزء این مجموعه قرار داد. سرانجام، در گروه کار، مساله موشک های بالیستیک موضوعی تلقی شد که باید بوسیله معاهده ای منطقه ای آن را حل کرد.

حاصل آن که تمام کشورهای درون و بیرون خاورمیانه را باید تشویق کرد که به ایجاد منطقه ای آزاد از تسلیحات کشتار جمعی و آغاز گفتگو برای مدالیته های منطقه ای در چارچوب فراگیر صلح و امنیت روی آورند. برداشتن برخی گام های آشتی جویانه را می توان هرچه زودتر آغاز کرد.